



A Comparative Study of Wildlife Crimes in Iran and Selected U.S. States

Seyed Moslem Hoseini¹, Batoul Pakzad^{2*}, Maryam Afshari³

1. Department of Law, NT.C. Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, NT.C. Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Law, Dam.C. Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research

Pages: 79-97

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0009-0009-1665-3472

TELL: +989126106430

Email: b_pakzad@iautn.ac.ir

Article History:

Received: 01 Dec 2023

Revised: 08 Dec 2023

Accepted: 19 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Criminal Law Protection,
Wildlife, Comparative Law,
Criminal Policy.

ABSTRACT

This study aims to comparatively examine the mechanisms of criminal law protection of wildlife in the legal systems of Iran and the United States, focusing on the relevant legal frameworks, criminal sanctions, and preventive and rehabilitative approaches adopted in both countries. Employing a descriptive-analytical methodology and a comparative legal approach, the study examines wildlife protection laws and regulations in Iran and six selected U.S. states: California, Florida, Alaska, Washington, Oregon, and Texas. The findings indicate that, in Iran, the Hunting and Fishing Act of 1967, along with its subsequent amendments, constitutes the principal legal basis for the criminal protection of wildlife species and natural habitats. By prescribing penalties such as imprisonment and fines, this legislation seeks to deter and punish conduct that threatens wildlife. In contrast, the U.S. legal system, operating through a combination of federal and state legislation tailored to the ecological characteristics of different regions, provides a more diverse range of wildlife-related offenses and criminal sanctions. In addition to conventional penalties, the U.S. framework incorporates measures such as mandatory educational programs, suspension or revocation of hunting licenses and privileges, and enhanced penalties for offenses involving endangered species. Furthermore, legal considerations concerning the rights of Indigenous communities highlight the need to balance wildlife conservation requirements with the cultural and subsistence rights of these populations. The study concludes that reforming Iran's criminal policy toward wildlife offenses, with particular emphasis on diversifying sanctions, strengthening rehabilitative and educational measures, and adopting proportionate criminal responses based on the conservation status of affected species, could enhance deterrence and improve the effectiveness of criminal law protection of wildlife.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Hoseini, S. M; Pakzad, B & Afshari, A (2023). "A Comparative Study of Wildlife Crimes in Iran and Selected U.S. States". *Journal of International Criminal Law*, 1(4): 79-97.



دوره اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

بررسی تطبیقی جرائم علیه حیات وحش در ایران و برخی ایالت‌های آمریکا

سید مسلم حسینی^۱، بتول پاکزاد^{۲*} مریم افشاری^۳

۱. گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت کیفری از حیات وحش در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا، به تحلیل مبانی قانونی، ضمانت‌اجراهای کیفری و رویکردهای پیشگیرانه و اصلاحی در دو کشور می‌پردازد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، قوانین و مقررات مرتبط با حفاظت از حیات وحش در ایران و شش ایالت منتخب آمریکا شامل کالیفرنیا، فلوریدا، آلاسکا، واشنگتن، اورگن و تگزاس را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران، قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن، مهم‌ترین مبنای حمایت کیفری از گونه‌های جانوری و زیستگاه‌های طبیعی محسوب می‌شود و با پیش‌بینی مجازات‌هایی نظیر حبس و جزای نقدی، درصدد مقابله با رفتارهای تهدیدکننده حیات وحش است. در مقابل، نظام حقوقی ایالات متحده، با بهره‌گیری از مقررات فدرال و ایالتی متناسب با ویژگی‌های بوم‌شناختی مناطق مختلف، از تنوع بیشتری در تعیین جرائم و ضمانت‌اجراهای کیفری برخوردار است. در این نظام، افزون بر مجازات‌های متعارف، تدابیری همچون آموزش اجباری، محرومیت از حقوق و امتیازات شکار و تشدید مجازات جرائم علیه گونه‌های در معرض خطر نیز پیش‌بینی شده است. همچنین، ملاحظات مرتبط با حقوق جوامع بومی، ضرورت ایجاد تعادل میان الزامات حفاظتی و حقوق فرهنگی و معیشتی آنان را آشکار می‌سازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بازنگری در سیاست جنایی ایران با تأکید بر تنوع‌بخشی به ضمانت‌اجراها، تقویت تدابیر اصلاحی و آموزشی و اتخاذ پاسخ‌های کیفری متناسب با وضعیت حفاظتی گونه‌ها می‌تواند به افزایش بازدارندگی و ارتقاء اثربخشی حمایت کیفری از حیات وحش منجر شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۷-۷۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۴۷۲-۱۶۶۵-۰۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: ۹۸۹۱۲۶۱۰۶۴۳۰+

ایمیل: b_pakzad@iau-tnb.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

حمایت کیفری، حیات وحش، حقوق تطبیقی، سیاست جنایی.



مقدمه

این حال، مسائلی نظیر تناسب ضمانت‌اجراهای کیفری با شدت آسیب‌های زیست‌محیطی، میزان بازدارندگی مجازات‌ها، چالش‌های نظارت و کشف جرم و محدودیت‌های اجرایی، ضرورت ارزیابی انتقادی ظرفیت‌های حمایتی این نظام را مطرح می‌سازد.

در مقابل، ایالات متحده آمریکا با برخورداری از ساختار حقوقی فدرال و توزیع صلاحیت‌های قانون‌گذاری و اجرایی میان دولت فدرال و ایالت‌ها، الگویی چندسطحی از حمایت حقوقی و کیفری از حیات‌وحش ارائه می‌دهد. در این نظام، افزون بر قوانین فدرال، هر ایالت متناسب با ویژگی‌های اقلیمی، وضعیت گونه‌های جانوری، حساسیت زیستگاه‌ها و ضرورت‌های حفاظتی خود، مقررات ویژه‌ای برای مدیریت و صیانت از حیات‌وحش وضع کرده است (Nie et al., 2017: 845). این تنوع تقنینی، امکان بهره‌گیری از طیفی از ضمانت‌اجراهای کیفری و تدابیر تکمیلی، از جمله مجازات‌های مالی و سالب آزادی، تعلیق یا لغو مجوزهای شکار، محدودیت در بهره‌برداری از منابع حیات‌وحش و برخی اقدامات آموزشی و اصلاحی را فراهم می‌سازد (Kisonak, 2020: 953; Sosnowski et al., 2022: 7). همچنین، ملاحظات مربوط به حقوق جوامع بومی و شیوه‌های سنتی بهره‌برداری از منابع طبیعی (Forsyth et al., 1998: 31)، به‌ویژه در ایالت‌هایی نظیر آلاسکا، بر پیچیدگی سیاست‌گذاری کیفری در این حوزه می‌افزاید و ضرورت برقراری تعادل میان اهداف حفاظتی و حقوق فرهنگی و معیشتی جوامع محلی را برجسته می‌سازد.

اهمیت مطالعه تطبیقی حاضر از آن جهت است که ارزیابی کارآمدی حمایت کیفری از حیات‌وحش، مستلزم فراتر رفتن از مقایسه صرف عناوین مجرمانه و میزان مجازات‌های قانونی و توجه به مبانی جرم‌انگاری، تنوع ضمانت‌اجراها، ویژگی‌های بوم‌شناختی و سازوکارهای نهادی اجرای مقررات است (Kurland et al., 2017: 6). از این منظر، بررسی تجربه ایالت‌های منتخب آمریکا با زیست‌بوم‌های متفاوت، از جمله کالیفرنیا، فلوریدا، آلاسکا، واشنگتن، اورگن و تگزاس، می‌تواند ظرفیت‌ها و محدودیت‌های رویکردهای متنوع کیفری را در مواجهه با تهدیدهای حیات‌وحش آشکار سازد (غرقی، ۱۳۹۸).

حفاظت از حیات‌وحش، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین صیانت از محیط‌زیست و تضمین پایداری تنوع زیستی، از جمله مسؤولیت‌های اساسی دولت‌ها در نظام‌های حقوقی معاصر به شمار می‌رود. با این حال، گسترش فعالیت‌های انسانی، تخریب و تجزیه زیستگاه‌های طبیعی، توسعه نامتوازن شهرنشینی، تغییرات اقلیمی، شکار و صید غیرمجاز و گسترش تجارت غیرقانونی گونه‌های جانوری، در دهه‌های اخیر تهدیدهای فزاینده‌ای را متوجه حیات‌وحش ساخته است. تشدید این مخاطرات، ضرورت مداخله نظام‌های حقوقی و اتخاذ تدابیر مؤثر تقنینی، اجرایی و قضایی را بیش از پیش آشکار کرده است (Gibbs et al., 2010: 133). در این میان، حقوق کیفری به‌عنوان یکی از ابزارهای حمایت از محیط‌زیست، از طریق جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای متناسب، نقش مهمی در پیشگیری از تعرض به حیات‌وحش و مقابله با جرائم مرتبط با آن ایفا می‌کند. با وجود این، میزان اثربخشی مداخله کیفری، صرفاً تابع شدت مجازات‌های مقرر نیست، بلکه به عواملی همچون تناسب جرم‌انگاری، قطعیت اجرای مجازات، کارآمدی نهادهای نظارتی و قضایی و هماهنگی میان سیاست‌های کیفری و الزامات بوم‌شناختی نیز وابسته است.

در این چارچوب، مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا، با توجه به تفاوت‌های ساختاری، تقنینی و نهادی دو کشور، می‌تواند زمینه مناسبی برای ارزیابی الگوهای متفاوت حمایت کیفری از حیات‌وحش فراهم آورد. ایران، به‌رغم برخورداری از تنوع اقلیمی و زیستی قابل‌توجه، با چالش‌هایی در زمینه حفاظت از گونه‌های جانوری، مقابله با شکار غیرمجاز و صیانت از زیستگاه‌های طبیعی مواجه است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). نظام حقوقی ایران در این حوزه، متکی بر مجموعه‌ای از قوانین عام و خاص، به‌ویژه قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن، قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و مقررات اجرایی مرتبط است. این مقررات با جرم‌انگاری برخی رفتارهای تهدیدکننده حیات‌وحش و تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری، چارچوب قانونی حمایت از گونه‌های جانوری و زیستگاه‌های آن‌ها را تشکیل می‌دهند. با

جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری و اداری، درصدد پیشگیری از تخریب حیات وحش و تضمین حفاظت مؤثر از آن برآمده است.

۱-۱- قانون مدنی (پیشگام با ابعاد غیر کیفری)

کشتار گسترده و بی‌رحمانه حیات وحش در ایران، به همراه قطع بی‌رویه گل‌ها و تخریب بیشه‌زارها، از مهم‌ترین عواملی بود که زیستگاه‌های طبیعی کشور را به شدت دچار آسیب کرد. این اقدامات نه تنها به نابودی تدریجی گونه‌های جانوری و گیاهی انجامید، بلکه موجب از بین رفتن تعادل طبیعی و تضعیف نظام اکولوژیکی نیز شد (مباشری، ۱۳۹۴: ۱۲۶). ویرانی پناهگاه‌ها و از دست رفتن مأمن حیوانات در بسیاری از مناطق، پیامدهای زیست‌محیطی سنگینی به همراه داشت که آثار آن تا امروز نیز قابل‌مشاهده است. همین وضعیت ضرورت وضع قواعد و مقررات مشخص برای حمایت از محیط‌زیست و به‌ویژه حفاظت از گونه‌های جانوری و گیاهی را آشکار ساخت.

در نظام حقوقی ایران، پیش از سال ۱۳۳۵ که قانون شکار ایران تأسیس شد و مقررات اختصاصی در زمینه شکار و حفاظت حیات وحش به تدریج مورد توجه قرار گرفت، برخی مقررات پراکنده در قانون مدنی به این موضوع پرداخته بود (شاحیدر، ۱۳۷۴: ۷۴). این مقررات را می‌توان نخستین تلاش‌های قانون‌گذار ایرانی برای نظم‌بخشی به مسأله شکار و بهره‌برداری از حیات وحش دانست. قانون مدنی مصوب ۱۳۱۷ در باب ششم خود، از ماده ۱۳۲ تا ۱۷۱، به موضوع شکار اختصاص دارد و در واقع این بخش از قانون را می‌توان به‌عنوان اولین چارچوب حقوقی مدون مرتبط با شکار در ایران ارزیابی کرد.

با این حال، ماهیت این مقررات بیشتر در قالب احکام مربوط به مالکیت تعریف شده و محوریت آن، تعیین تکلیف شکار از منظر تعلق و تملک بوده است (شاحیدر، ۱۳۷۴: ۷۴). به عبارت دیگر، قانون‌گذار در این مقطع تاریخی بیشتر به جنبه‌های مالی و حقوق مالکیت ناشی از شکار توجه داشته و تدوین مقررات خاص و مستقل برای تنظیم نحوه شکار، ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و تدابیر حفاظتی را به آینده واگذار کرده است. این امر نشان می‌دهد که در آن دوران، توجه جدی به ملاحظات زیست‌محیطی و ضرورت حفاظت از گونه‌ها وجود نداشته و

انتخاب این ایالت‌ها بر مبنای تفاوت در شرایط اقلیمی، تنوع گونه‌های جانوری، ویژگی‌های زیستگاهی و رویکردهای تقنینی صورت گرفته است تا امکان تحلیل تطبیقی دقیق‌تری از چگونگی انطباق سیاست کیفری با اقتضائات محیط‌زیستی فراهم شود.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا در جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده حیات وحش و تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری چه وجوه اشتراک و افتراقی دارند و تفاوت‌های موجود تا چه اندازه ناشی از ساختارهای حقوقی، ترتیبات نهادی و ضرورت‌های بوم‌شناختی هر کشور است. در همین راستا، پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که نخست، حمایت کیفری از حیات وحش در دو نظام حقوقی بر چه مبنایی و سازوکارهایی استوار است؛ دوم، چه تفاوت‌هایی در نوع، شدت و تنوع ضمانت‌اجراهای کیفری و تدابیر تکمیلی آن‌ها مشاهده می‌شود؛ و سوم، کدام‌یک از ظرفیت‌های تقنینی و سیاست‌گذاری کیفری ایالت‌های منتخب آمریکا، با لحاظ تفاوت‌های ساختاری و اقتضائات حقوقی ایران، قابلیت بهره‌گیری در اصلاح و تقویت نظام حمایت کیفری از حیات وحش را دارند.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، قوانین و مقررات مرتبط، به بررسی نظام حمایت کیفری از حیات وحش در ایران و ایالت‌های منتخب آمریکا می‌پردازد. هدف آن است که با شناسایی نقاط قوت و کاستی‌های ساختار تقنینی و ضمانت‌اجراهای مقرر در دو نظام حقوقی، زمینه ارائه پیشنهادهایی برای تقویت تناسب، بازدارندگی و اثربخشی پاسخ‌های کیفری در قبال جرائم علیه حیات وحش در ایران فراهم شود.

۱- حمایت از حیات وحش در حقوق ایران

حمایت از حیات وحش در نظام حقوقی ایران از طریق مجموعه‌ای از قوانین و مقررات ناظر بر حفاظت از گونه‌های جانوری، صیانت از زیستگاه‌های طبیعی و مقابله با رفتارهای تهدیدکننده تنوع زیستی صورت می‌گیرد (نوروزی و سهرابیگی، ۱۳۹۶: ۸۸). در این چارچوب، قانون‌گذار با

موضوع شکار در وهله نخست به‌عنوان یک منبع قابل تملک و بهره‌برداری اقتصادی تلقی می‌شده است (تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۷۶: ۹۶). همین امر بعدها موجب شد که با افزایش بحران‌های زیست‌محیطی، نیاز به قوانین جامع‌تر و نهادهای تخصصی در این حوزه بیش از پیش احساس شود.

۱-۲- ایجاد سازمان‌های مرتبط

برخلاف بسیاری از کشورها مانند چین و روسیه که بسیار دیر به تدوین و اجرای قوانین مرتبط با شکار و حفاظت از حیات‌وحش اقدام کردند، در ایران به‌منظور مقابله با تهدیدات ناشی از شکار بی‌رویه و در جهت حفظ گونه‌های جانوری، در سال ۱۳۳۵ نهادهای مستقل تحت عنوان «کانون شکار ایران» تأسیس شد (محسن‌زاده‌بانی، ۱۴۰۰: ۵۱). این کانون وظیفه داشت ضمن نظارت بر اجرای مقررات شکار، از نابودی و انقراض گونه‌ها جلوگیری کرده و چارچوبی مشخص برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و زیستی کشور فراهم آورد. از زمان تصویب این قانون، شکار تنها در صورت اخذ پروانه رسمی مجاز شناخته شد و به این ترتیب برای نخستین بار نظامی منسجم برای کنترل شکار و مدیریت آن در کشور ایجاد گردید.

طرح قانونی مربوط به شکار در قالب هفت ماده و دوازده تبصره تهیه و تنظیم شد و در اسفندماه سال ۱۳۳۵ به تصویب قوه مقننه رسید. این طرح از تاریخ ۱۳۳۵/۱۲/۲۵ به مرحله اجرا درآمد و بدین ترتیب فعالیت کانون شکار به‌طور رسمی آغاز شد (باقری‌زرین‌قباثی، ۱۳۹۱: ۶۴). بر اساس ماده دوم این قانون، کانون شکار در تهران با ترکیب اعضای همچون وزیر کشور، رئیس ستاد ارتش و شش نفر از افراد متخصص و آگاه در امور شکار تشکیل می‌شد. ساختار کانون به نحوی بود که علاوه بر مرکزیت تهران، شعباتی نیز در استان‌ها، شهرستان‌ها و حتی بخش‌ها تأسیس می‌کرد تا امکان نظارت و کنترل گسترده‌تری بر حوزه‌های مختلف فراهم شود. ویژگی مهم این کانون آن بود که عضویت در آن جنبه افتخاری داشت و اعضا بدون دریافت حقوق در آن فعالیت می‌کردند. این نکته نشان می‌دهد که قانون‌گذار در این مرحله بیشتر به بهره‌گیری از دانش و تجربه افراد متخصص و علاقه‌مند توجه داشت تا ایجاد یک ساختار اداری صرف (مشهدی، ۱۳۹۶: ۱۷۸). از سوی

دیگر، با تأسیس کانون شکار و وضع آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به آن، چارچوب قانونی لازم برای صدور پروانه‌های شکار، تعیین مناطق مجاز و غیرمجاز و نیز اعمال محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های فصلی و گونه‌ای فراهم شد. این اقدام نقطه عطفی در تاریخ حقوق محیط‌زیست ایران به شمار می‌رود، زیرا برای نخستین بار تلاش شد میان بهره‌برداری از منابع طبیعی و ضرورت حفاظت از آن‌ها تعادل ایجاد شود.

نخستین آیین‌نامه اجرایی مرتبط با قانون شکار، در سال ۱۳۳۱ توسط هیأت وزیران به تصویب رسید. این آیین‌نامه در سه فصل و پنجاه و هفت ماده تنظیم شده بود و به‌صورت آزمایشی اجرا گردید. در این مرحله، ساختار تشکیلاتی کانون شکار و نیز مقررات مربوط به شکار مشخص شد و برای نخستین بار چارچوبی رسمی برای مدیریت شکار در سطح ملی شکل گرفت. با وجود این، تجربه اجرای آزمایشی نشان داد که بسیاری از مواد و مقررات نیازمند بازنگری است.

در سال ۱۳۳۳، هیأت وزیران مجدداً آیین‌نامه اجرایی مذکور را مورد بازبینی قرار داد. این آیین‌نامه جدید همچنان مشتمل بر سه فصل بود، اما این بار در قالب دوازده ماده به تصویب رسید و تغییراتی در تشکیلات مرکزی و شهرستان‌ها اعمال شد (باقری‌زرین‌قباثی، ۱۳۹۱: ۶۴). همچنین مقررات مربوط به شکار و محدودیت‌های آن با صراحت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. این اصلاحات نیز به‌صورت آزمایشی به اجرا گذاشته شد تا میزان کارآمدی آن در عمل سنجیده شود. سرانجام در هفتم اسفند ۱۳۳۲، آیین‌نامه نهایی کانون شکار با تصویب هیأت وزیران جایگزین مقررات اجرایی پیشین شد. این آیین‌نامه آخرین گام در مسیر تکامل کانون شکار به شمار می‌آید و به‌گونه‌ای تدوین شد که بتواند پاسخگوی چالش‌های رو به افزایش در زمینه شکار و حفاظت از حیات‌وحش باشد. با این حال، روند تحولات قانونی به همین‌جا محدود نشد و در سال ۱۳۳۷ با تصویب قانون شکار و صید، سازمانی جدید تحت عنوان «سازمان شکاربانی و نظارت بر صید» تأسیس گردید که عملاً جایگزین کانون شکار شد.

تصویب قانون حفاظت و تشکیل کانون شکار در سال ۱۳۳۵ را می‌توان نخستین اقدام مدون و منسجم در جهت صیانت از

به همین دلیل، در قوانین و آیین‌نامه‌های بعدی، به‌ویژه پس از تشکیل سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، توجه از صرف «حفاظت از حیوانات» فراتر رفت و بر ضرورت صیانت از محیط‌زیست طبیعی آن‌ها تأکید شد (ساجدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۷). تصویب مقرراتی در زمینه تعیین پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده نشان می‌دهد که نگاه قانون‌گذار دیگر صرفاً معطوف به شکار یا جمعیت حیوانات نبود، بلکه زیستگاه به‌عنوان بستر اصلی بقا و تداوم حیات وحش، در مرکز توجه قرار گرفت. این تغییر رویکرد نشان می‌دهد که درک حقوقی از مسئله، از سطح بهره‌برداری و مالکیت بر شکار به سطحی جامع‌تر ارتقا یافت؛ سطحی که بر ارتباط مستقیم میان بقای گونه‌های جانوری و شرایط اکولوژیکی زیستگاه‌ها استوار است. به بیان دیگر، قانون‌گذار دریافت که بدون حفاظت از زیستگاه، حتی سخت‌گیرانه‌ترین محدودیت‌ها در زمینه شکار نمی‌تواند مانع از نابودی گونه‌ها شود. بنابراین، ایجاد مناطق حفاظت‌شده و پارک‌های ملی در واقع گامی عملی در جهت نهادینه‌سازی این نگاه نوین بود.

در آذرماه سال ۱۳۳۱ با تصویب قانون تأسیس وزارت منابع طبیعی، وظایف گسترده‌ای برای این وزارتخانه در نظر گرفته شد که تقریباً تمامی منابع طبیعی کشور از جمله جنگل‌ها، مراتع و حتی بهره‌برداری از حیوانات وحشی را در برمی‌گرفت (مشهدی، ۱۳۹۶: ۱۷۸). به همین ترتیب، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید نیز به همراه سازمان جنگل‌ها و مراتع و شرکت شیلات، بخشی از تشکیلات این وزارتخانه محسوب می‌شد و زیر نظر آن فعالیت می‌کرد. این ادغام نشان‌دهنده آن بود که مدیریت حیات وحش و زیستگاه‌ها در همان زمان به‌عنوان جزئی از سیاست کلی حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی تلقی می‌شد. با این حال، در سال ۱۳۵۱ و در پی انحلال وزارت منابع طبیعی، ساختار جدیدی در قالب «قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی» مصوب ۱۳۵۱/۱۱/۱۲ به وجود آمد. در چارچوب این قانون، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید دستخوش تغییر نهادی شد و وظایف آن به سازمان تازه‌تأسیس «سازمان حفاظت محیط‌زیست» انتقال یافت. این تحول بیانگر آن است که نگاه قانون‌گذار نسبت به حیات وحش و محیط طبیعی، از سطح

جمعیت و تنوع گونه‌های جانوری در ایران دانست. وظیفه اصلی این کانون حفاظت از نسل حیوانات قابل شکار و نظارت بر اجرای مقررات مربوطه بود (تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۷۶: ۹۶). تجربه‌های نخستین اجرای این قوانین به روشنی نشان داد که حفظ گونه‌های جانوری تنها از طریق نظارت بر شکار کافی نیست و راهکار اصلی در حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی نهفته است. همین تجربه، زمینه‌ساز تشکیل یک نهاد دولتی قدرتمندتر به نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید در سال ۱۳۳۷ شد. در قوانین مربوط به این سازمان، گام تازه‌ای برداشته شد و اختصاص بخش‌هایی از کشور به‌عنوان «پارک‌های ملی» و «مناطق حفاظت‌شده» با تعاریف مشخص در دستور کار قرار گرفت. بدین ترتیب، نخستین سنگ‌بنای مناطق حفاظت‌شده ایران در سال ۱۳۳۷ گذاشته شد (غرقی، ۱۳۹۸: ۶۱). این تحول در شرایطی رخ داد که پانزده سال پیش از آن، نخستین پارک ملی جهان یعنی پارک ملی یلواستون در ایالات متحده تأسیس شده بود و یازده سال نیز از بنیان‌گذاری اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع (IUCN) می‌گذشت.

در همان سال، شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید پیشنهاد ایجاد دو پارک ملی و پانزده منطقه حفاظت‌شده را به تصویب رساند و بدین ترتیب نخستین گروه از مناطق حفاظت‌شده رسمی ایران پایه‌گذاری گردید. این اقدام نقطه عطفی در تاریخ حقوق محیط‌زیست کشور محسوب می‌شود، چراکه برای نخستین بار، حفاظت از تنوع زیستی از مرحله کنترل شکار فراتر رفته و به ایجاد مناطق تحت مدیریت ویژه و پایدار منجر شد. همان‌طور که در سیر تاریخی قوانین مشاهده می‌شود، روند تحول از مقررات اولیه شکار به سمت ایجاد کانون شکار سپس سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، نشان می‌دهد که قانون‌گذار به‌تدریج به این نکته بنیادین پی برده که حفاظت از حیات وحش تنها از رهگذر کنترل شکار تحقق پیدا نمی‌کند (بیگی و داداشی‌چکان، ۱۳۹۶: ۸۲). تجربه‌های اولیه کانون شکار آشکار ساخت که حتی در صورت محدود کردن شکار و الزام به دریافت پروانه، باز هم اگر زیستگاه‌های طبیعی جانوران مورد حفاظت قرار نگیرد، امکان حفظ نسل آن‌ها وجود نخواهد داشت.

مدیریت منابع برای بهره‌برداری اقتصادی به سطحی کلان‌تر و مبتنی بر حفاظت و پایداری ارتقا یافت.

ایجاد سازمان حفاظت محیط‌زیست در حقیقت نقطه عطفی در نظام حقوقی ایران بود؛ زیرا برای نخستین بار نهادی مستقل با مأموریت مشخص حفاظت از محیط‌زیست، زیستگاه‌ها و گونه‌های جانوری و گیاهی شکل گرفت. این تغییر ساختاری را می‌توان بازتابی از تحولات جهانی در دهه ۱۹۷۰ دانست که در بسیاری از کشورها حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان ضرورتی مستقل از بهره‌برداری منابع طبیعی مورد توجه قرار گرفت (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). در واقع، انتقال وظایف از سازمان شکاربانی به سازمان حفاظت محیط‌زیست نشان‌دهنده آن بود که قانون‌گذار ایرانی به پیوند جدایی‌ناپذیر میان صیانت از حیات‌وحش و حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی آگاهی یافته و ضرورت ایجاد نهادی جامع برای تحقق این هدف را درک کرده است.

۱-۳- قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶

یکی از نقاط عطف در نظام حقوقی ایران در زمینه حمایت از حیات‌وحش و مقابله با تخریب زیستگاه‌های طبیعی به شمار می‌آید. در این قانون، قانون‌گذار با صراحت مجموعه‌ای از رفتارها را جرم‌انگاری کرده است که ارتکاب آن‌ها می‌تواند پیگرد قانونی و تعقیب مرتکب را به دنبال داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این رفتارها، شکار غیرمجاز است که به‌عنوان اصلی‌ترین تهدید برای بقای گونه‌های جانوری در نظر گرفته شد. از آنجاکه قانون شکار و صید در زمره قوانین خاص بوده و به‌طور مستقیم به حوزه شکار و بهره‌برداری از حیات‌وحش اختصاص یافته است، بررسی مواد مرتبط آن در چارچوب تحقیق حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد. ماده نخست این قانون مقرر می‌دارد که به منظور حفظ و حمایت و همچنین تکثیر جانوران وحشی، «سازمان حفاظت محیط‌زیست» تشکیل می‌گردد (محسن‌زاده‌رانی، ۱۴۰۰: ۵۱). سازمان مزبور شخصیت حقوقی مستقل دارد و تحت نظارت «شورای عالی حفاظت محیط‌زیست» فعالیت می‌کند. این ماده نه‌تنها به رسمیت شناختن یک نهاد قانونی اختصاصی برای حفاظت از محیط‌زیست را بیان می‌کند، بلکه نشان‌دهنده ارتقاء نگاه

قانون‌گذار از سطح محدود کنترل شکار به سطحی جامع‌تر برای حمایت از کل نظام طبیعی است.

در ماده سوم همین قانون، بخشی از وظایف شورای عالی حفاظت محیط‌زیست ذکر شده است که از جمله می‌توان به تعیین محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های زمانی و مکانی در زمینه شکار و صید، مشخص کردن حدود پارک‌های ملی، مناطق حفاظت‌شده و قرق‌های اختصاصی اشاره کرد. علاوه بر این، شورا وظیفه دارد گونه‌های جانوری وحشی و حیواناتی را که نیازمند حمایت هستند یا در معرض خطر انقراض قرار دارند تعیین کند. همچنین این شورا مسؤول تعیین بهای جانوران وحشی از منظر جبران خسارت و زیان وارده است. در ماده یک همین قانون، وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز برشمرده شده است. نکته مهم در این ماده آن است که تقریباً تمامی بندهای آن، به‌جز یک مورد، به‌طور مستقیم به حیات‌وحش و ضرورت حفاظت از گونه‌های جانوری مربوط می‌شود (ساجدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۷). این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار در آن زمان تمرکز اصلی خود را بر صیانت از جانوران وحشی قرار داده و آن‌ها را در اولویت نخست سیاست‌های محیط‌زیستی قرار داده است.

۱-۳-۱- وظایف سازمان

مطابق ماده ۶ وظایف سازمان به قرار زیر است (مشهدی، ۱۳۹۶: ۱۷۸):

الف- اجرای مصوبات شورای عالی در حدود مقررات ماده ۳ این قانون.

ب- تنظیم و اجرای مقررات شکار و صید بر اساس هدف‌های مندرج در این قانون.

پ- حفظ و نگهداری شکارگاه‌ها و فضای حیاتی جانوران قابل شکار و صید و حمایت آن‌ها در برابر گرسنگی و تشنگی و صید و شکار بی‌رویه و عوامل و حوادث نامساعد جوی و طبیعی مانند حریق جنگل و مراتع و سیل و طغیان رودخانه‌ها و بیماری‌های واگیر و مسمومیت نباتی و امثال آن.

ت- فراهم آوردن موجبات و محیط مساعد جهت تکثیر و پرورش جانوران قابل شکار و صید.

برای حیات وحش محسوب شود. با وجود این، مهم‌ترین مواد قانون که به شکل تخصصی به جرم شکار غیرمجاز پرداخته‌اند، مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ هستند. با بررسی دقیق این مواد، می‌توان دریافت که قانون‌گذار اشکال مختلف وقوع جرم شکار غیرمجاز را در قالب پنج دسته اصلی پیش‌بینی کرده است:

۱. از حیث مکان شکار در خارج از محل‌هایی که در پروانه قید شده، جرم محسوب می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). به عنوان نمونه، ممکن است سازمان با رعایت ضوابط به فردی مجوز شکار در یک منطقه حفاظت‌شده خاص اعطا کند، اما شخص مزبور برخلاف مفاد پروانه در منطقه دیگری اقدام به شکار نماید.

۲. از حیث زمان قانون‌گذار علاوه بر مکان، محدودیت‌های زمانی برای شکار نیز پیش‌بینی کرده است. شکار در ایام غیرمجاز یا خارج از فصل تعیین‌شده، در زمره مصادیق شکار غیرمجاز قرار می‌گیرد و مرتکب تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

۳. از حیث روش استفاده از روش‌های غیرمجاز برای شکار، از جمله به کارگیری ابزار یا شیوه‌هایی که موجب نابودی گسترده گونه‌ها یا تخریب زیستگاه می‌شوند، جرم‌انگاری شده است. بدین ترتیب قانون نه تنها به اصل شکار بلکه به چگونگی انجام آن نیز توجه دارد.

۴. از حیث نوع گونه مورد شکار، شکار گونه‌های مختلف جانوری بر اساس درجه حمایت قانونی آن‌ها طبقه‌بندی شده است (عزیزی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). این گونه‌ها شامل حیوانات وحشی عادی، حیوانات حمایت‌شده، حیوانات تحت حفاظت ویژه، گونه‌های کمیاب و گونه‌های در معرض خطر انقراض می‌شوند. شکار هر یک از این دسته‌ها شرایط متفاوتی دارد و مجازات‌ها بر اساس اهمیت گونه شدت بیشتری پیدا می‌کند.

۵. از حیث ممنوعیت‌های خاص علاوه بر موارد فوق، قانون‌گذار برخی ممنوعیت‌های کلی دیگر نیز در نظر گرفته است (غرقی، ۱۳۹۸: ۶۱)، مانند شکار در شرایط خاص، شکار در زیستگاه‌های بحرانی، یا شکار گونه‌هایی که به طور موقت تحت ممنوعیت کامل قرار گرفته‌اند.

ث- کوشش در اصلاح نژاد جانوران قابل شکار و صید.

ج- بررسی و تحقیقات علمی درباره جانوران قابل شکار و صید.

چ- ایجاد پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده و موزه‌های حیوان‌شناسی.

ح- تشویق اشخاص حقیقی و حقوقی به تأسیس باغات وحش و آبگیرها و حوضچه‌ها جهت پرورش ماهی و پرندگان شکاری از طریق راهنمایی‌های فنی.

خ- تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور برانگیختن حس حیوان‌دوستی و حفاظت منابع طبیعی در کشور و تجهیز و تنویر افکار عمومی در این زمینه.

د- همکاری با سازمان‌های مربوط به جنگل و مرتع و خاک و آب به منظور حفظ منابع طبیعی کشور.

ذ- همکاری با سازمان‌های مشابه خارجی و بین‌المللی به منظور حفظ و حمایت جانوران قابل شکار و صید و مهاجر در حدود تعهدات متقابل.

۱-۳-۲- ممنوعیت‌ها و جرم‌انگاری

در ماده ۷ قانون شکار و صید، به صراحت مقررات مربوط به خرید و فروش، پرورش، صدور و ورود حیوانات وحشی پیش‌بینی شده است. همچنین در همین ماده تأکید گردیده که ورود و صدور گونه‌های جانوری وحشی و اجزای آن‌ها که در فهرست کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های در معرض خطر انقراض (CITES) درج شده‌اند، باید با رعایت کامل مفاد این کنوانسیون انجام گیرد (محسن‌زاده‌ربانی، ۱۴۰۰: ۵۱). این نکته نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی ضمن تدوین مقررات داخلی، به تعهدات بین‌المللی نیز توجه داشته و نظام حقوقی ایران را با الزامات کنوانسیون‌های جهانی همسو ساخته است.

در ماده ۸ همین قانون، موضوع صدور پروانه یا اجازه رایگان توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست در موارد خاص مطرح شده است (حمزه، ۱۴۰۲: ۷۳). این امر به سازمان اختیار می‌دهد تا در چارچوب ضوابط مشخص، برخی مجوزها را بدون دریافت هزینه صادر کند، اما به‌طورکلی اصل اساسی در این قانون، تنظیم و محدودسازی فعالیت‌هایی است که می‌تواند تهدیدی

۱-۳-۲-۱- از حیث مکان

جرم‌انگاری بر اساس مکان یکی از مهم‌ترین بخش‌های قانون شکار و صید است، زیرا قانون‌گذار به خوبی درک کرده است که ارزش حفاظتی یک گونه ارتباط مستقیم با زیستگاه آن دارد (شاحیدر، ۱۳۷۴: ۷۴). به همین دلیل، صرف صدور پروانه شکار برای یک منطقه خاص به معنای مجاز بودن شکار در سایر نقاط نیست و هرگونه تخطی از حدود مکانی تعیین‌شده، مصداق شکار غیرمجاز تلقی می‌شود. نخستین مصداق این دسته، شکار در خارج از محل‌های درج‌شده در پروانه است. سازمان حفاظت محیط‌زیست با رعایت مقررات و ضوابط، پروانه‌ای برای فرد صادر می‌کند که به او اجازه شکار در منطقه‌ای مشخص را می‌دهد. حال اگر فرد برخلاف مفاد پروانه، در منطقه‌ای دیگر به شکار مبادرت کند، عمل او تحت عنوان شکار غیرمجاز شناخته می‌شود و مطابق مواد ۱۰ تا ۱۳ قانون، تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. این حکم در واقع بیانگر آن است که پروانه شکار نه یک مجوز کلی، بلکه اجازه‌ای محدود به یک محدوده مکانی مشخص است.

دومین مصداق، شکار در مناطقی است که به‌طورکلی ممنوع اعلام شده‌اند. علاوه بر این، شکار در قرق‌های اختصاصی نیز در زمره مصادیق جرم قرار گرفته است. بند «ب» ماده ۱۱ قانون صراحت دارد که ورود افراد بدون مجوز به چنین مناطقی و اقدام به شکار، تخلفی کیفری محسوب می‌شود (مشهدی، ۱۳۹۶: ۱۷۸). قرق‌های اختصاصی با هدف احیای جمعیت جانوران و حفاظت ویژه از آن‌ها ایجاد شده‌اند و نقض این ممنوعیت به معنای تهدید مستقیم برای تعادل اکولوژیکی است.

سومین مصداق، شکار در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات‌وحش است که بر اساس بند «ب» ماده ۱۲ قانون ممنوع اعلام شده است. این مناطق از اهمیت بالایی برخوردارند، چراکه زیستگاه اصلی گونه‌های نادر و در معرض خطر به شمار می‌روند و هرگونه شکار در آن‌ها می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد.

چهارمین مصداق، شکار در پارک‌های ملی است که به موجب بند «پ» ماده ۱۲ قانون جرم‌انگاری شده است. پارک‌های ملی

دارای بالاترین سطح حمایت قانونی‌اند و اساساً به‌عنوان مناطق نمونه‌ای از تنوع زیستی و زیستگاه‌های طبیعی حفاظت می‌شوند (مباشری، ۱۳۹۴: ۱۲۶). به همین دلیل، هرگونه شکار در این محدوده‌ها به‌طور مطلق ممنوع بوده و مرتکب با شدیدترین برخوردهای قانونی مواجه می‌شود. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که قانون‌گذار در جرم‌انگاری مکان‌محور، میان درجات مختلف اهمیت زیستگاه‌ها تفکیک قائل شده و حمایت‌های متفاوتی را در نظر گرفته است. از مناطقی که صرفاً در پروانه شکار مشخص می‌شوند تا پارک‌های ملی که به‌طور مطلق تحت حفاظت‌اند، طیفی از محدودیت‌ها ایجاد شده که هدف نهایی آن، تضمین بقا و تکثیر گونه‌های جانوری است.

۱-۳-۲-۲- از حیث زمان

جرم شکار و صید غیرمجاز از حیث زمان عمدتاً شامل اقداماتی است که در فصول، روزها و ساعات ممنوع انجام می‌شوند (شاحیدر، ۱۳۷۴: ۷۴). مطابق ماده ۱۱ قانون شکار و صید، هرگونه شکار یا صید جانوران در این زمان‌ها بدون رعایت محدودیت‌های قانونی، جرم محسوب شده و مرتکب به جزای نقدی از ۲۲,۵۰۰,۰۰۰ تا ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه محکوم می‌شود.

محدودیت‌های زمانی توسط شورای عالی حفاظت محیط‌زیست تعیین و ابلاغ می‌شوند و شامل دوره‌های ممنوعیت فصل تولیدمثل، مهاجرت و سایر دوره‌های حساس زیستی جانوران است (بیگی و داداشی‌چکان، ۱۳۹۶: ۸۲). آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید (۱۳۹۸) در ماده ۴ محدودیت‌های زمانی را به‌صورت مشخص برای انواع گونه‌های جانوران و آبزیان تعریف کرده و اجرای آن توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست الزامی است. بنابراین هرگونه اقدام شکار یا صید در زمان‌های ممنوعه قانونی حتی در صورت داشتن پروانه، در صورتی که خارج از چارچوب زمانی تعیین‌شده باشد، مشمول تعقیب کیفری خواهد شد و بر اساس ماده ۱۶ قانون، در صورت تکرار، مرتکب به اشد مجازات محکوم می‌شود.

۱-۳-۲-۳- از حیث روش

مطابق بند «ج» ماده ۱۱ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن، شکار و صید با وسایل غیرمجاز یا استفاده

از اسلحه متعلق به دیگران جرم محسوب می‌شود و مرتکب به جزای نقدی از ۲۲,۵۰۰,۰۰۰ تا ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد (ساجدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

مطابق بند «ج» ماده ۱۳ همان قانون، استفاده از روش‌های خطرناک و ممنوع نظیر استفاده از سموم، مواد منفجره، تعقیب جانوران با وسایل نقلیه موتوری و کشتار دسته‌جمعی جرم تلقی شده و برای آن‌ها مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۳ سال یا جزای نقدی از ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ تا ۸۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال پیش‌بینی شده است.

مطابق ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید مصوب ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ هیأت وزیران، محدودیت‌های طبیعی و روش‌های مجاز شکار و صید مشخص شده و سازمان حفاظت محیط‌زیست موظف به اجرای آن‌هاست.

تحلیل قوانین نشان می‌دهد که قانون‌گذار ضمن پیشگیری از تخریب محیط‌زیست و تهدید جمعیت جانوران، بر مسؤولیت شخص شکارچی در رعایت روش‌های قانونی و مجاز تأکید کرده است (حمزه، ۱۴۰۲: ۷۳). مجازات‌های مشخص شده برای هر روش غیرمجاز، بازدارندگی قابل توجهی ایجاد می‌کند و از تخلفات عملیاتی جلوگیری می‌نماید. آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید نیز در ماده ۴ محدودیت‌های طبیعی و روش‌های مجاز شکار و صید را تعیین کرده و سازمان حفاظت محیط‌زیست موظف است رعایت این محدودیت‌ها را کنترل و اعمال نماید. بنابراین هرگونه شکار و صید با استفاده از روش‌های غیرمجاز یا ابزار ممنوع، حتی در صورت داشتن پروانه، مشمول تعقیب قانونی خواهد شد.

۱-۳-۲-۴- از حیث نوع گونه مورد شکار

مطابق بند «الف» ماده ۱۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن، شکار جانوران وحشی کمیاب و در معرض خطر انقراض مانند جیبیر، گورخر، گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ، تمساح (کروکودیل)، هوبره و میش مرغ جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۳ سال یا جزای نقدی از ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ تا ۸۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال و در صورت

تکرار به هر دو مجازات محکوم خواهد شد (مباشری، ۱۳۹۴: ۱۲۶). این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار توجه ویژه‌ای به حفظ گونه‌های در معرض تهدید داشته و مجازات‌های شدید تعیین شده، از دغدغه مقنن جهت جلوگیری از نابودی جمعیت این گونه‌ها حکایت می‌کند. مطابق بند «ب» ماده ۱۳ همان قانون، شکار در پارک‌های ملی نیز جرم تلقی شده و مشمول مجازات حبس و جزای نقدی مشابه می‌باشد. علت تقنین این ماده، تضمین حفاظت هم‌زمان از گونه‌ها و زیستگاه‌های طبیعی آنهاست؛ بدین معنا که هرگونه شکار حتی از گونه‌های عادی در پارک‌های ملی غیرقانونی است و تمرکز بر حفظ محیط‌زیست طبیعی این مناطق دارد. مطابق بند «ج» ماده ۱۳ قانون یادشده، شکار، صید یا کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم، مواد منفجره، تعقیب با وسیله نقلیه موتوری و کشتار دسته‌جمعی جرم محسوب می‌شود و مرتکب مشمول مجازات حبس یا جزای نقدی خواهد شد. این بند نشانگر توجه مقنن به روش‌های شکار و صید است و تأکید می‌کند که حفاظت از جانوران وحشی مستلزم جلوگیری از اقدامات مخرب و غیرانسانی است که می‌توانند جمعیت گونه‌ها را به خطر اندازند.

مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون مذکور، زنده‌گیری، شکار، خرید، فروش، حمل، نگهداری و صدور پرندگان شکاری مانند شاهین، بحری، بالابان و دلیجه علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ تا ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. این ماده نشانگر اهمیت بالای حفاظت از پرندگان شکاری است و بیانگر آن است که مقنن با لحاظ نمودن چنین مجازات‌هایی قصد داشته تجارت غیرمجاز و تهدید جمعیت این گونه‌ها را محدود کند.

مطابق ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید مصوب ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ هیأت وزیران، پروانه ویژه برای شکار و صید جانوران حمایت‌شده و حفاظت‌شده صادر می‌شود (نوروزی و سهرابیگی، ۱۳۹۶: ۸۸). این امر حاکی از آن است که قانون‌گذار برای کنترل و نظارت دقیق بر شکار قانونی گونه‌های حساس، چارچوبی عملی فراهم آورده و اجرای این مقررات از طریق صدور پروانه ویژه، امکان مدیریت علمی جمعیت جانوران وحشی را تضمین می‌کند.

۱-۳-۵- از حیث ممنوعیت‌های خاص

مطابق بند «الف» ماده ۱۱ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن، مبادرت به شکار و صید در فصول و ساعات ممنوع جرم محسوب می‌شود و مرتکب به جزای نقدی از ۲۲,۵۰۰,۰۰۰ تا ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد (محسن‌زاده‌ربانی، ۱۴۰۰: ۵۱). این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار ضمن توجه به تنوع گونه‌ها، ضرورت احترام به چرخه‌های طبیعی تولیدمثل و افزایش جمعیت جانوران را نیز مدنظر داشته است؛ بنابراین محدودیت‌های زمانی و فصلی به‌عنوان ابزار پیشگیری از تخریب زیستگاه و کاهش جمعیت گونه‌ها تعیین شده است.

مطابق بند «ب» ماده ۱۱ همان قانون، شکار و صید در مناطق ممنوع یا خلاف محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اعلام شده توسط سازمان، جرم محسوب می‌شود و مجازات‌های مشابه شامل آن می‌گردد. این امر نمایانگر دغدغه مقنن جهت حفاظت از مناطق حساس و جلوگیری از دستکاری غیرمجاز زیستگاه‌هاست و نشان می‌دهد که نظم قانونی به گونه‌ای طراحی شده است که تعادل اکوسیستم و بقا جمعیت گونه‌ها تضمین شود.

مطابق بند «ج» ماده ۱۱، شکار و صید با وسایل و از طرق غیرمجاز یا با استفاده از اسلحه دیگران جرم تلقی شده و مشمول مجازات می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). مقنن در این ماده قصد داشته است استفاده از روش‌های شکار خطرزا و غیرقانونی را محدود کند تا از تهدید سلامت جمعیت جانوران و ایجاد خسارت به اکوسیستم جلوگیری شود. مطابق بند «د» ماده ۱۱، تخریب چشمه‌ها و آبشخور حیوانات در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات‌وحش جرم محسوب می‌شود و مجازات تعیین شده برای آن پیش‌بینی شده است. این بند حاکی از حساسیت مقنن نسبت به منابع آب به‌عنوان عاملی حیاتی برای بقای جانوران وحشی است و نشان می‌دهد که حفاظت از منابع طبیعی فراتر از صرفاً شکار و صید مورد توجه قانون‌گذار بوده است. مطابق بند «ه» ماده ۱۱، اقدام به صدور و ورود حیوانات وحشی موضوع ماده ۷ قانون به‌صورت غیرمجاز جرم تلقی می‌شود (غرقی، ۱۳۹۸: ۶۱). این محدودیت بیانگر

آن است که قانون‌گذار ضمن حفاظت از گونه‌های بومی، ورود گونه‌های غیرمجاز یا آسیب‌رسان به اکوسیستم را به دقت کنترل کرده و تضمین کرده است که زیستگاه‌های طبیعی تحت تأثیر عوامل خارجی و تهدیدات غیرقانونی قرار نگیرند. مطابق ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید مصوب ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ هیأت وزیران، ضوابط مکانی، زمانی و گونه‌ای شکار و صید توسط شورای عالی حفاظت محیط‌زیست تعیین شده و از طریق روزنامه رسمی و پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان به اطلاع عموم می‌رسد (باقری‌زرین‌قبائی، ۱۳۹۱: ۶۴). این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار برای جلوگیری از تخلفات و تضمین رعایت محدودیت‌ها، فرآیندی شفاف و هماهنگ برای اطلاع‌رسانی و اجرای مقررات فراهم کرده است.

۲- حمایت از حیات‌وحش در برخی ایالت‌های آمریکا

حمایت از حیات‌وحش در ایالات‌متحده آمریکا در چارچوب نظام حقوقی فدرال و ایالتی و با توجه به تنوع اقلیمی، ویژگی‌های زیست‌بومی و وضعیت حفاظتی گونه‌های جانوری صورت می‌گیرد (Eliason, 2003: 140). در این راستا، ایالت‌های مختلف با وضع مقررات اختصاصی، جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده حیات‌وحش و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری و تدابیر پیشگیرانه، رویکردهای متفاوتی را در حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه‌های طبیعی اتخاذ کرده‌اند.

۱-۲- کالیفرنیا و سختگیری در حمایت از حیات‌وحش

ایالت کالیفرنیا یکی از پیشگامان در زمینه تقنین کیفری برای حمایت از حیات‌وحش در ایالات‌متحده محسوب می‌شود (Goble et al. 2017: 406). چارچوب اصلی این حمایت در «قانون شکار و ماهیگیری کالیفرنیا» (California Fish and Game Code) دیده می‌شود که مجموعه‌ای گسترده از مقررات کیفری و انتظامی را برای پیشگیری از شکار غیرقانونی، صید بی‌رویه و تجارت غیرمجاز گونه‌های حیات‌وحش وضع کرده است.

مطابق ماده ۲۰۰۰ این قانون، هرگونه شکار، صید یا نگهداری جانوران وحشی بدون اخذ مجوز معتبر ممنوع است و نقض این مقرره به‌عنوان جرم قابل تعقیب کیفری شناخته می‌شود (Freyfogle et al. 2019: 153). ویژگی مهم این ماده آن

ایالات متحده (U.S. Fish and Wildlife Service) «در اجرای قوانین فدرال همچون «قانون گونه‌های در معرض خطر (Endangered Species Act) (Nie et al., 2017: 845) موجب هم‌افزایی و کاربری بهتر در نظام حمایت کیفری شده است. به‌طور کلی باید گفت که ایالت کالیفرنیا نه تنها در سطح قانون‌گذاری، بلکه در تفسیر قضایی و اجرای مقررات نیز رویکردی سخت‌گیرانه و پیشرو در حمایت کیفری از حیات وحش اتخاذ کرده است (Kurland et al., 2017: 6). تأکید بر اصل احتیاط، جرم‌انگاری متناسب با شدت تهدید و هم‌افزایی میان سطوح ایالتی و فدرال، الگویی متمایز در نظام حقوقی ایالات متحده پدید آورده است.

۲-۲- فلوریدا و حمایت کیفری از زیستگاه‌های آبی و تالابی
ایالت فلوریدا به دلیل داشتن تالاب‌های گسترده از جمله ایورگلیدز، جزایر مرجانی و نوار ساحلی طولانی، مقررات ویژه‌ای برای حفاظت از زیستگاه‌های آبی و تالابی دارد که بعضی از آن‌ها جنبه کیفری نیز دارند (Goble et al., 1999: 52). مطابق فصل ۳۷۲ قانون ایالت فلوریدا، ماده ۰۷۲۵، ۳۷۲ مقرر می‌دارد که هر کس عمداً گونه‌ای که توسط کمیسیون حفاظت از ماهی و حیات وحش فلوریدا به‌عنوان گونه در معرض خطر، تهدید شده یا مهم شناخت شده باشد را بکشد یا آسیب برساند یا تخم یا لانه آن را نابود کند، به جرم جنایی درجه سوم محکوم خواهد شد. این ماده به گونه‌ای حمایت از گونه‌های آبی و سایر گونه‌هایی که وضعیت زیستی‌شان حساس است را تأمین می‌نماید.

همچنین قانون ایالتی برای حفاظت از تالاب‌ها شامل مقررات محکومیت برای کسانی است که بدون مجوز تالاب‌ها را پر می‌کنند یا تغییر کاربری می‌دهند. چنین کاری علاوه بر الزام به جبران خسارت، ممکن است مستلزم مجازات‌های مدنی و کیفری باشد (Freyfogle et al., 2019: 153). پر کردن تالاب بدون مجوز معتبر که هم ایالتی و هم فدرال (مستند به قانون آب پاک بخش ۴۰۴) الزامی است، ممنوع می‌باشد و مرتکبان ممکن است علاوه بر ضرر و زیان، به پرداخت جریمه مدنی و در برخی موارد به تعقیب کیفری کشیده شوند. قانون ایالتی فلوریدا در بخش مربوط به حفاظت از ماهی و

است که اصل را بر ممنوعیت نهاده و تنها در صورت وجود پروانه قانونی استثنا قائل شده است. این امر نشان‌دهنده آن است که مقنن کالیفرنیا در مواجهه با بحران تهدید جمعیت گونه‌ها، رویکرد «احتیاط مطلق» (Strict Liability Approach) را برگزیده است. علاوه بر آن، در ماده ۳۰۰۲ قانون مذکور، استفاده از سلاح‌های خودکار یا شیوه‌های غیرمعارف شکار ممنوع اعلام شده است. این محدودیت نه تنها برای حمایت از گونه‌های جانوری، بلکه به‌منظور تضمین امنیت عمومی نیز طراحی شده است. در واقع، قانون‌گذار با جرم‌انگاری این رفتارها نشان داده که حفاظت از تنوع زیستی جدا از ملاحظات ایمنی اجتماعی نیست.

نکته قابل توجه در کالیفرنیا جرم‌انگاری شدید در خصوص تجارت غیرقانونی گونه‌ها است. برای مثال بر اساس بخش ۹ قوانین ایالتی، هرگونه خرید، فروش یا حمل‌ونقل گونه‌های حمایت‌شده یا اجزای آن‌ها بدون مجوز قانونی، می‌تواند به مجازات کیفری منجر شود (Goble et al., 1999: 52). در این ماده میان جرائم «خفیف» (Misdemeanor) و «جنایی» (Felony) تمایز نهاده شده است؛ بدین معنا که اگر رفتار مرتکب منجر به تهدید جدی حیات گونه‌های در معرض انقراض گردد، امکان تشدید مجازات وجود دارد. این تکنیک قانون‌گذاری بیانگر آن است که شدت مجازات متناسب با اهمیت گونه مورد تعدی تغییر می‌یابد. پرونده‌های قضایی نیز جایگاه مهمی در تفسیر این مقررات داشته‌اند. در پرونده (People v. Orecklin, 2015)، دادگاه استیناف کالیفرنیا شکارچی‌ای را که بدون مجوز اقدام به شکار پرندگان حمایت‌شده کرده بود، با استناد به مواد فوق محکوم نمود و تأکید کرد که اصل «عدم علم به قانون» نمی‌تواند به‌عنوان دفاع مؤثر مورد پذیرش قرار گیرد. این رأی قضایی در ادبیات حقوقی ایالت به‌عنوان تقویت‌کننده اصل «مسئولیت سخت‌گیرانه» شناخته می‌شود و نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در حمایت از حیات وحش از تفسیر مضیق قوانین اجتناب می‌کنند.

علاوه بر این، کالیفرنیا در سطح سیاست‌گذاری زیست‌محیطی نیز فراتر از مقررات کیفری حرکت کرده است. برای نمونه، همکاری این ایالت با «سازمان خدمات ماهی و حیات وحش

در سال ۲۰۲۳، دو مرد از شهرستان کالهون فلوریدا به دلیل شکار غیرقانونی در تالاب‌های ایورگلیدز و صید گونه‌های در معرض خطر، از جمله پرندگان مهاجر و خزندگان، دستگیر شدند. این اقدام برخلاف مقررات ماده ۳۷۲،۰۷۲۵ قانون ایالتی فلوریدا بود که شکار یا آسیب رساندن به گونه‌های در معرض خطر را جرم درجه سوم می‌داند. دادگاه محلی حکم به جریمه‌های سنگین و الزام به مشارکت در برنامه‌های آموزشی حفاظت از محیط‌زیست صادر کرد. در سال ۲۰۲۲، یک شرکت توسعه‌دهنده در شهرستان میامی-یدی اقدام به پر کردن تالاب‌های ساحلی بدون اخذ مجوزهای لازم کرد تا پروژه مسکونی جدیدی را آغاز کند. این اقدام منجر به تخریب زیستگاه‌های آبزیان و پرندگان مهاجر شد. دادگاه فدرال حکم به توقف پروژه و الزام به بازسازی زیستگاه‌های تخریب‌شده صادر کرد. همچنین، شرکت مذکور به دلیل نقض ماده ۳۷۲،۰۷۲۵ قانون ایالتی فلوریدا به پرداخت جریمه‌های سنگین و مشارکت در برنامه‌های آموزشی حفاظت از محیط‌زیست محکوم شد.

۳-۲- آلاسکا و تعارض با شکارچیان بومی

در ایالت آلاسکا، قوانین حفاظت کیفری از حیات وحش اهمیت ویژه‌ای دارند و تمرکز اصلی بر حفاظت از گونه‌های بومی، جلوگیری از شکار و صید غیرمجاز و حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی است. مطابق فصل ۱۶ قانون حفاظت از ماهی و حیات وحش آلاسکا، شکار یا صید بدون مجوز قانونی یا در خارج از فصل تعیین شده ممنوع است و مرتکبان به جزای نقدی و زندان محکوم می‌شوند (Nie et al., 2017: 845). این قانون همچنین اختیار تعیین محدودیت‌ها و شرایط خاص برای شکار گونه‌های در معرض خطر و حمایت شده را به اداره حیات وحش ایالت واگذار کرده است. علاوه بر آن، بند ۱۶،۵،۰۵،۰۲ قانون آلاسکا تخریب زیستگاه‌های تالابی و آبی را جرم کیفری می‌داند و مسؤولان می‌توانند مرتکبان را به پرداخت جریمه و بازسازی محیط آسیب‌دیده مکلف کنند (Kisonak, 2020: 953). تحلیل این مقررات نشان می‌دهد که تقنین آلاسکا با رویکرد پیشگیرانه، هم حفاظت از گونه‌های جانوری و هم حفظ زیستگاه‌ها را مد نظر قرار داده است. این تمرکز بر پیشگیری از تخریب محیط‌زیست، ناشی از دغدغه

حیات وحش، به افسران حفاظت اجازه می‌دهد که نمونه‌ها و محصولات آبزیان و گونه‌های آب‌شور یا شیرین غیرقانونی را توقیف کنند و افرادی که بدون مجوز در فصل غیرمجاز یا منطقه ممنوع اقدام به صید یا شکار گونه‌های آبزی یا وحشی نمایند، تحت عناوین مجرمانه پیگرد قرار گیرند. در بخش حفاظت از کیفیت آب و جلوگیری از آلودگی، کتابچه مقررات آب فلوریدا بیان می‌کند که اگر آلودگی عمدی یا بی‌مبالاتی نسبت به منابع آبی انجام شود، ممکن است مجازات کیفری درجه سوم تا پنج سال زندان به همراه جریمه‌های قابل توجه داشته باشد. همچنین هر روز تأخیر یا ادامه تخلف می‌تواند به عنوان جرم جداگانه محسوب شود. این مقررات نشان می‌دهند که قانون‌گذار فلوریدا از منظر کیفری هم گونه و هم زیستگاه را مدنظر دارد؛ یعنی نه فقط شکار گونه‌ها جرم‌انگاری شده، بلکه تخریب و تغییر غیرمجاز زیستگاه‌های آبی و تالابی نیز به عنوان جرائم محیط‌زیستی در قوانین ایالتی جای گرفته‌اند (Gore, 2017: 84). علت وضع این مقررات، حساسیت بالای زیستگاه‌های اکوسیستمی آبی در فلوریدا است؛ تالاب‌ها به عنوان بستر تولید مثل آبزیان، تصفیه طبیعی آب و محل مهاجرت پرندگان نقش زیست‌محیطی عظیمی دارند. لذا مقنن به این نتیجه رسیده که بدون جرم‌انگاری تخریب زیستگاه‌ها، حفاظت گونه‌ها امکان‌پذیر نیست (Sosnowski et al., 2022: 7). همچنین استفاده از ابزارهای قانونی مانند توقیف اموال، جریمه‌های مدنی و کیفری و الزام به مجوز برای تغییر کاربری زیستگاه‌ها، نشان‌دهنده یک رویکرد ترکیبی است که بین پیشگیری و تنبیه تعادل ایجاد می‌کند. در سال ۲۰۲۴، یک توسعه‌دهنده ساختمانی در شهرستان کالیر فلوریدا به دلیل پر کردن غیرمجاز تالاب‌های حساس در منطقه‌ای که زیستگاه پلنگ فلوریدای در معرض خطر انقراض بود، تحت پیگرد قانونی قرار گرفت. این اقدام بدون اخذ مجوزهای لازم از کمیسیون حفاظت از ماهی و حیات وحش فلوریدا (FWC) و اداره حفاظت از محیط‌زیست فلوریدا (FDEP) صورت گرفت. دادگاه فدرال ایالات متحده حکم به توقف پروژه و الزام به بازسازی زیستگاه‌های تخریب‌شده صادر کرد. این پرونده نشان‌دهنده جدیت مقامات در حفاظت از تالاب‌ها و زیستگاه‌های آبی است.

مقنن برای جلوگیری از کاهش جمعیت حیات وحش و حفظ تعادل اکوسیستم‌های آبی و زمینی است.

پرونده‌های کیفری متعددی گویای اجرای سخت‌گیرانه این قوانین است. در مارس ۲۰۲۴، دو نفر به دلیل تخریب غیرمجاز بیش از پنج هکتار تالاب در آلاسکا به پرداخت جریمه نقدی و انجام اقدامات بازسازی محیط‌زیست محکوم شدند. این اقدام بدون اخذ مجوزهای لازم انجام شده بود و منجر به تهدید زیستگاه پرندگان و سایر گونه‌های حیات وحش شد. در ژانویه ۲۰۲۵، فردی به دلیل فعالیت‌های غیرقانونی به عنوان راهنمای شکار در مناطق حفاظت شده آلاسکا محکوم شد. این شخص با دریافت وجوه از شکارچیان، اقدام به راهنمایی غیرمجاز می‌کرد و با پیگیری اداره حیات وحش، به مجازات‌های کیفری از جمله جریمه و محدودیت‌های قانونی محکوم شد. همچنین در دسامبر ۲۰۱۸، فردی در شهرستان هومر آلاسکا به دلیل شکار غیرمجاز سه گوزن نر و اتلاف آن‌ها به ۲۱ فقره اتهام مجرم شناخته شد و علاوه بر پرداخت جریمه بیش از ۱۰۰,۰۰۰ دلار، به نه ماه زندان، مصادره سلاح مورد استفاده در تخلفات و تعلیق مجوز شکار برای سه سال محکوم شد. این پرونده‌ها نشان می‌دهند که مقامات آلاسکا نه تنها بر اجرای قوانین کیفری تمرکز دارند بلکه از طریق مجازات‌های سنگین و اقدامات اصلاحی، بازدارندگی در برابر تخلفات زیست‌محیطی را تقویت می‌کنند و بدین ترتیب به حفظ گونه‌های بومی و زیستگاه‌های طبیعی کمک می‌کنند.

در آلاسکا، تعارض میان قوانین کیفری حفاظت از حیات وحش و حقوق شکارچیان بومی از نکات قابل توجه است. مقنن ضمن وضع مقررات سختگیرانه برای حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه‌ها، باید حقوق بومیان که بر اساس سنت‌های دیرینه خود به شکار و صید برای تأمین معیشت و آیین‌های فرهنگی مشغول هستند را نیز مدنظر قرار دهد (Freyfogle et al., 2019: 153). در عمل، قوانین فصل ۱۶ قانون حفاظت از ماهی و حیات وحش و بند ۱۶,۵۰۵,۰۰۲، محدودیت‌هایی برای شکار و صید در مناطق حفاظت شده وضع کرده‌اند که گاهی با نیازهای بومیان در تأمین غذا و منابع طبیعی تعارض پیدا می‌کند. مقنن تلاش کرده است این تعارض را با صدور مجوزهای ویژه و استثنایی برای شکار

و صید بومیان کاهش دهد، اما پرونده‌های متعددی نشان می‌دهد که تفسیر محدودکننده این قوانین توسط مقامات ممکن است منجر به تنش و اختلاف میان اداره حیات وحش و جوامع محلی شود (Goble et al., 2017: 406). این وضعیت نشان می‌دهد که تقنین کیفری در آلاسکا، هم‌زمان باید بین حفاظت محیط‌زیست و حفظ حقوق فرهنگی و معیشتی اقلیت‌های بومی تعادل ایجاد کند تا ضمن تأمین اهداف حفاظتی، حقوق سنتی جامعه محلی نیز نقض نشود.

۲-۴- وا شنگتن و اورگن، حمایت کیفری از گونه‌های دریایی و ساحلی

در ایالت‌های واشنگتن و اورگن، تقنین کیفری به‌طور ویژه بر حفاظت از گونه‌های دریایی و ساحلی متمرکز است و مقنن با تصویب قوانین سختگیرانه سعی در حفظ اکوسیستم‌های ساحلی و آبریان دارد. مطابق فصل ۷۲۷ قانون محیط‌زیست ایالت واشنگتن، شکار و صید گونه‌های دریایی و ساحلی بدون مجوز ممنوع بوده و مجازات‌های نقدی و حبس برای متخلفین پیش‌بینی شده است. این قوانین همچنین محدودیت‌های زمانی و مکانی مشخصی برای صید تعیین کرده‌اند تا فصل‌های تکثیر و زادآوری گونه‌ها محفوظ بماند. در اورگن، مطابق بخش ۵۰۲۰۱ قانون ماهی و حیات وحش Oregon Fish and Wildlife Code، حفاظت از صدف‌ها، خرچنگ‌ها، پرندگان دریایی و سایر گونه‌های ساحلی با وضع محدودیت‌های صید و حمل‌ونقل تحت نظارت شدید قرار گرفته است و هرگونه برداشت غیرمجاز به مجازات کیفری می‌انجامد (Freyfogle et al., 2019: 153). این مقررات نشان می‌دهد که دغدغه مقنن، جلوگیری از تخریب اکوسیستم‌های حساس دریایی و حفظ تنوع زیستی در خط ساحلی ایالت‌هاست و در عین حال چارچوبی قانونی برای فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با ماهیگیری و گردشگری فراهم کرده است. پرونده‌های قضایی متعددی در واشنگتن نشان داده‌اند که تخطی از محدودیت‌های صید گونه‌های حفاظت شده، حتی به صورت ناخواسته، می‌تواند منجر به جریمه‌های سنگین و توقیف تجهیزات صید شود که این امر انگیزه‌ای قوی برای رعایت قوانین ایجاد می‌کند. تحلیل قوانین و رویه‌های قضایی حاکی است که این ایالت‌ها در پی ایجاد تعادل میان بهره‌برداری اقتصادی از منابع دریایی و

حفاظت از گونه‌های در معرض تهدید هستند و اعمال مجازات‌های کیفری بخشی از استراتژی حفاظتی آنهاست.

۲-۵- تگزاس و چارچوب کیفری حفاظت از حیات وحش بیابانی

در ایالت تگزاس، تقنین کیفری به‌طور مشخص بر حفاظت از حیات وحش بیابانی متمرکز شده است و مقنن با تصویب قوانین جامع تلاش دارد تنوع زیستی و اکوسیستم‌های شکننده بیابانی را حفظ کند. مطابق فصل ۹۰۳ قانون ماهی و حیات وحش تگزاس، شکار و صید گونه‌های بیابانی بدون اخذ مجوز ممنوع بوده و متخلفین علاوه بر جبران خسارت، مشمول مجازات‌های نقدی و حبس می‌شوند (Goble et al., 2017: 406). این فصل به‌طور ویژه محدودیت‌های مکانی، زمانی و نوعی برای شکار گونه‌های حساس بیابانی تعیین کرده است، به‌ویژه برای گونه‌های در معرض خطر مانند آهوی صحرایی، لاک‌پشت بیابانی و برخی پرندگان شکاری. قانون‌گذار هدف از وضع این مقررات را حفظ چرخه طبیعی زندگی گونه‌ها و جلوگیری از کاهش جمعیت ناشی از شکار بی‌رویه یا بهره‌برداری غیرمسئولانه اعلام کرده است.

مطابق بخش ۹۰۷ همان قانون، سازمان پارک‌ها و حیات وحش تگزاس موظف است برنامه‌های حفاظتی ویژه برای گونه‌های در معرض تهدید تدوین و اجرا کند و هرگونه اقدام انسانی که منجر به تخریب زیستگاه طبیعی یا مختل شدن چرخه تکثیر گونه‌ها شود، جرم تلقی می‌شود (Goble et al., 1999: 52). این مقررات شامل جلوگیری از تخریب گیاهان و پوشش‌های گیاهی بیابانی نیز می‌شود، زیرا نقصان این پوشش‌ها می‌تواند امنیت غذایی و زیستگاه جانوران بیابانی را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد. تحلیل قوانین حاکی است که مقنن با نگاه به پایداری اکوسیستم‌های بیابانی، حفاظت از گونه‌ها را به‌صورت جامع و سیستمی در چارچوب کیفری پیاده کرده است و مجازات‌ها علاوه بر تنبیه، بازدارندگی قوی ایجاد می‌کنند. پرونده‌های قضایی در تگزاس نشان می‌دهند که نقض این قوانین، حتی در مقیاس کوچک، با حساسیت بالا مورد پیگرد قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، در پرونده‌ای که در سال ۲۰۲۰ در دادگاه شهرستان پرایرس مطرح شد، فردی به دلیل شکار

غیرمجاز آهوی صحرایی و حمل و نقل غیرمجاز گوشت آن، علاوه بر جریمه نقدی، به تعلیق مجوز شکار برای مدت دو سال محکوم شد. این پرونده نشان می‌دهد که مقنن و قوه قضائیه تلاش می‌کنند پیام واضحی به عموم صادر کنند که بی‌توجهی به مقررات حفاظتی قابل تحمل نیست و رعایت محدودیت‌های تعیین‌شده برای حفظ جمعیت گونه‌ها ضروری است.

همچنین، قوانین تگزاس در بخش‌های مربوط به شکارچیان حرفه‌ای و مراکز پرورش حیات وحش بیابانی، چارچوب قانونی دقیقی برای صدور پروانه و نظارت ایجاد کرده‌اند (Eliason, 2008: 120). این امر به‌ویژه برای جلوگیری از تجارت غیرقانونی گونه‌های حفاظت‌شده اهمیت دارد. سازمان پارک‌ها و حیات وحش موظف است نظارت مداوم بر فعالیت‌های تجاری مرتبط با گونه‌های بیابانی داشته باشد و در صورت تخلف، اقدام کیفری اعمال شود (Overturf, 2020: 165). تحلیل این مقررات نشان می‌دهد که هدف مقنن، ایجاد تعادل میان بهره‌برداری اقتصادی و حفاظت بلندمدت از منابع طبیعی است و نگاه صرفاً حفاظتی را با منطق توسعه پایدار تلفیق کرده است (Eliason, 2012: 78).

از حیث تعارض با جوامع محلی و شکارچیان سنتی، تگزاس نمونه‌ای جالب‌توجه است. مقنن با اعمال محدودیت‌های مشخص، برخی فعالیت‌های سنتی شکارچیان بومی را تحت شرایط خاص مجاز کرده است، اما بهره‌برداری تجاری یا شکار خارج از فصل‌ها و مناطق تعیین‌شده را جرم تلقی کرده است (Eliason & Dodder, 1999: 244). این سیاست نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل میان حقوق فرهنگی و حفظ گونه‌های در معرض تهدید است و حکایت از دغدغه مقنن برای پیشگیری از تخریب اکوسیستم‌های بیابانی دارد. ایالت تگزاس با این چارچوب قانونی، نمونه‌ای شاخص از تقنین کیفری حفاظتی است که ضمن پیشگیری از تخریب زیستگاه‌های بیابانی، حفاظت جامع از گونه‌های حیات وحش را در چارچوب سیستم حقوقی کیفری تضمین می‌کند و نقش مؤثری در حفظ تنوع زیستی ایفا می‌نماید.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی حمایت کیفری از حیات وحش در نظام حقوقی ایران و ایالت‌های منتخب ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که با وجود اشتراک دو نظام در ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده گونه‌های جانوری و زیستگاه‌های طبیعی، تفاوت‌های قابل توجهی در ساختار تقنینی، تنوع ضمانت‌اجراها، شیوه‌های مداخله کیفری و سازوکارهای پیشگیری از جرائم علیه حیات وحش وجود دارد. این تفاوت‌ها عمدتاً از ساختار حقوقی و نهادی، ویژگی‌های بوم‌شناختی و رویکردهای متفاوت سیاست جنایی در دو کشور ناشی می‌شوند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که حمایت مؤثر از حیات وحش، افزون بر جرم‌انگاری و تعیین مجازات، مستلزم اتخاذ سیاست کیفری منسجم، متناسب با وضعیت حفاظتی گونه‌ها و مبتنی بر تلفیق تدابیر بازدارنده، اصلاحی و پیشگیرانه است.

در نظام حقوقی ایران، قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن، همراه با آیین‌نامه‌های اجرایی و سایر مقررات مرتبط، مهم‌ترین مبانی قانونی حمایت از حیات وحش را تشکیل می‌دهند. قانون‌گذار ایرانی با تعیین محدودیت‌های زمانی، مکانی و موضوعی برای شکار و صید، تنظیم نظام صدور مجوزها و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری، کوشیده است از تعرض به گونه‌های جانوری و زیستگاه‌های طبیعی جلوگیری کند. همچنین، پیش‌بینی مجازات‌های شدیدتر برای برخی رفتارهای مجرمانه علیه گونه‌های کمیاب و در معرض خطر انقراض، بیانگر توجه قانون‌گذار به اهمیت وضعیت حفاظتی گونه‌ها در تعیین پاسخ کیفری است. با این حال، بررسی مقررات مذکور نشان می‌دهد که سیاست کیفری ایران عمدتاً بر مجازات‌های سنتی، به‌ویژه حبس و جزای نقدی و سازوکارهای اداری کنترل شکار و صید استوار است و ظرفیت تدابیر تکمیلی، آموزشی و اصلاحی در این حوزه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، چالش‌های مرتبط با نظارت بر مناطق گسترده طبیعی، کشف و تعقیب جرائم و تعارض منافع اقتصادی و معیشتی برخی جوامع محلی با الزامات حفاظتی، می‌تواند اثربخشی ضمانت‌اجراهای قانونی را تحت تأثیر قرار دهد. در مقابل، بررسی مقررات ایالت‌های کالیفرنیا، فلوریدا، آلاسکا، واشنگتن، اورگن و تگزاس نشان می‌دهد که

ساختار فدرال نظام حقوقی ایالات متحده، زمینه شکل‌گیری الگوهای متنوعی از حمایت کیفری متناسب با ویژگی‌های اقلیمی و زیست‌بومی مناطق مختلف را فراهم کرده است. در کالیفرنیا، حمایت از گونه‌های در معرض خطر و تنظیم بهره‌برداری از منابع حیات وحش؛ در فلوریدا، حفاظت از زیستگاه‌های آبی، تالابی و گونه‌های دریایی؛ در آلاسکا، مدیریت بهره‌برداری از گونه‌های خشکی‌زی و دریایی با لحاظ حقوق و نیازهای معیشتی جوامع بومی؛ در واشنگتن و اورگن، حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه‌های آبی و ساحلی؛ و در تگزاس، تنظیم شکار و صیانت از گونه‌های متناسب با زیست‌بوم‌های متنوع این ایالت، از جمله محورهای برجسته سیاست‌گذاری حقوقی و کیفری به شمار می‌روند. این تنوع نشان می‌دهد که ویژگی‌های بوم‌شناختی و نوع تهدیدهای موجود می‌توانند در تعیین قلمرو ممنوعیت‌های قانونی، شرایط بهره‌برداری و نوع ضمانت‌اجراهای کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

از مهم‌ترین یافته‌های مطالعه تطبیقی حاضر، تفاوت در تنوع و کارکرد ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی‌شده در دو نظام حقوقی است. در ایالت‌های مورد بررسی، علاوه بر مجازات‌های متعارف نظیر حبس و جزای نقدی، تدابیری همچون تعلیق یا لغو مجوزهای شکار، محرومیت موقت یا طولانی‌مدت از امتیازات مربوط به شکار و صید و الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی در برخی موارد مورد استفاده قرار می‌گیرد. اهمیت این تدابیر در آن است که پاسخ کیفری را از مجازات صرف فراتر برده و آن را با اهداف پیشگیری از تکرار جرم، اصلاح رفتار مرتکب و ارتقاء آگاهی محیط‌زیستی پیوند می‌دهد. به‌ویژه، استفاده از دوره‌های آموزشی به‌عنوان یکی از تدابیر تکمیلی در برخی پرونده‌های قضایی، نشان‌دهنده ظرفیت حقوق کیفری برای تأثیرگذاری بر نگرش و رفتار اشخاص ناقض مقررات حفاظت از حیات وحش است. چنین رویکردی می‌تواند در کنار ضمانت‌اجراهای سالب آزادی و مالی، الگویی قابل بررسی برای توسعه پاسخ‌های کیفری متنوع‌تر در نظام حقوقی ایران باشد.

یافته دیگر پژوهش، اهمیت تناسب میان شدت پاسخ کیفری و وضعیت حفاظتی گونه‌های جانوری است. بررسی مقررات ایالت‌های منتخب آمریکا نشان می‌دهد که در برخی موارد،

ویژگی‌های بوم‌شناختی و اجتماعی مناطق مختلف می‌تواند در افزایش اثربخشی حمایت کیفری نقش مؤثری ایفا کند.

در نهایت، تجربه ایالت‌های منتخب آمریکا نشان می‌دهد که تنوع‌بخشی به ضمانت‌اجراهای کیفری، توجه به وضعیت حفاظتی گونه‌ها و تلفیق پاسخ‌های تنبیهی با تدابیر آموزشی و اصلاحی، ظرفیت‌هایی قابل بررسی برای توسعه سیاست جنایی حمایت از حیات وحش فراهم می‌آورد. با این حال، بهره‌گیری از این تجربیات نباید به معنای انتقال مستقیم مقررات خارجی به نظام حقوقی ایران تلقی شود؛ بلکه هرگونه اقتباس حقوقی باید با لحاظ ساختار حقوقی کشور، ظرفیت‌های اجرایی و قضایی، شرایط اقتصادی و اجتماعی و الزامات بوم‌شناختی صورت پذیرد. بر این اساس، گذار از رویکرد عمدتاً مجازات‌محور به سیاست کیفری چندبعدی، متناسب و مبتنی بر پیشگیری، اصلاح و جبران آسیب‌های زیست‌محیطی می‌تواند یکی از جهت‌گیری‌های اساسی اصلاح نظام حمایت کیفری از حیات وحش در ایران باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: در تدوین این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: پژوهش حاضر بدون تأمین مالی انجام شده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- باقری‌زرین‌قبائی، حسین (۱۳۹۱). *ضمانت‌های کیفری زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران و انگلستان: به انضمام کلیات مربوط به حقوق حفاظت محیط‌زیست و حفاظت کیفری*

ارتکاب جرم علیه گونه‌های در معرض خطر انقراض یا تکرار تخلفات مرتبط با حیات وحش، با ضمانت‌اجراهای شدیدتری مواجه می‌شود. با این حال، بازدارندگی مجازات را نمی‌توان صرفاً تابع شدت آن دانست؛ بلکه عواملی همچون احتمال کشف جرم، قطعیت تعقیب و اجرای حکم و تناسب مجازات با آثار زیست‌محیطی رفتار ارتكابی نیز در تحقق اهداف سیاست کیفری نقش دارند. از این رو، بازنگری در ضمانت‌اجراهای مقرر در حقوق ایران باید با توجه هم‌زمان به شدت آسیب وارده، وضعیت حفاظتی گونه، میزان تقصیر مرتکب و ضرورت پیشگیری از تکرار جرم صورت گیرد. همچنین، تجربه حقوقی ایالت‌هایی نظیر آلاسکا نشان می‌دهد که حمایت کیفری از حیات وحش را نمی‌توان مستقل از ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع محلی ارزیابی کرد. تنظیم حدود بهره‌برداری سنتی و معیشتی از منابع حیات وحش و ایجاد تعادل میان حقوق جوامع بومی و الزامات حفاظت از تنوع زیستی، از جمله موضوعاتی است که در تدوین و اجرای سیاست‌های حفاظتی اهمیت دارد. این یافته برای نظام حقوقی ایران نیز قابل توجه است؛ زیرا در برخی مناطق، وابستگی اقتصادی و معیشتی جوامع محلی به منابع طبیعی می‌تواند بر میزان پذیرش و رعایت مقررات حفاظتی تأثیر بگذارد. بنابراین، بهره‌گیری از سازوکارهای مشارکتی و آموزشی در کنار تدابیر کیفری می‌تواند زمینه اجرای مؤثرتر مقررات و کاهش تعارض میان اهداف حفاظتی و منافع مشروع جوامع محلی را فراهم سازد.

برآیند یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تقویت حمایت کیفری از حیات وحش در ایران، بیش از آنکه مستلزم افزایش صرف مجازات‌های موجود باشد، نیازمند بازنگری در ساختار و کارکرد ضمانت‌اجراها و اتخاذ رویکردی جامع و متناسب با ماهیت جرائم زیست‌محیطی است. در این راستا، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایرانی ضمن ارزیابی تناسب مجازات‌های مقرر برای جرائم علیه گونه‌های در معرض خطر، امکان پیش‌بینی و اعمال تدابیر تکمیلی نظیر آموزش اجباری محیط‌زیستی، محرومیت از دریافت مجوزهای شکار و صید و الزام به جبران یا ترمیم خسارت‌های زیست‌محیطی را مورد توجه قرار دهد. همچنین، تقویت سازوکارهای نظارتی، ارتقاء هماهنگی میان نهادهای اجرایی و قضایی و توجه به

- مشهدی، علی (۱۳۹۶). مجموعه محشای قوانین و مقررات محیط‌زیست. تهران: انتشارات خرسندی.

- نوروزی، کوروش و سهرابیگی، محمد (۱۳۹۶). سیاست جنایی اسلام و ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی. تهران: انتشارات قانون‌یار.

ب. منابع انگلیسی

Eliason, S. L (2003). "Throwing the Book versus Cutting Some Slack: Factors Influencing the Use of Discretion by Game Wardens in Kentucky." *Deviant Behavior*, 24(2): 129-152.

Eliason, S. L (2008). "Wildlife Crime: Conservation Officers' Perceptions of Elusive Poachers." *Deviant Behavior*, 29(2): 111-128.

Eliason, S. L (2012). "Trophy Poaching: A Routine Activities Perspective." *Deviant Behavior*, 33(1): 72-87.

Eliason, S. L & Dodder, R. A (1999). "Techniques of Neutralization Used by Deer Poachers in the Western United States: A Research Note." *Deviant Behavior*, 20(3): 233-252.

Forsyth, C. J; Gramling, R & Wooddell, G (1998). "The Game of Poaching: Folk Crimes in Southwest Louisiana." *Society & Natural Resources*, 11(1): 25-38.

Freyfogle, E. T; Goble, D. D & Wildermuth, T. A (2019). *Wildlife Law: A Primer*. 2nd Edition. Washington, DC: Island Press.

Gibbs, C; Gore, M. L; McGarrell, E. F & Rivers, L. III (2010). "Introducing Conservation Criminology: Towards Interdisciplinary Scholarship on Environmental Crimes and Risks." *The British Journal of Criminology*, 50(1): 124-144.

Goble, D. D; Freyfogle, E. T; Biber, E; Cheever, F & Wiersema, A (2017). *Wildlife Law: Cases and Materials*. 3rd Edition. St. Paul, MN: West Academic Publishing.

Goble, D. D; George, S. M; Mazaika, K; Scott, J. M & Karl, J. W (1999). "Local and National Protection of Endangered Species: An

از محیط‌زیست در عرصه بین‌المللی. تهران: انتشارات خرسندی.

- بیگی، جمال و داداشی‌چکان، محمدمهدی (۱۳۹۶). پیشگیری وضعی از جرائم زیست‌محیطی در ایران و اسناد بین‌المللی. تهران: انتشارات خرسندی.

- تقی‌زاده‌انصاری، مصطفی (۱۳۷۶). حقوق کیفری محیط‌زیست. تهران: انتشارات قومس.

- حمزه، ناصر (۱۴۰۲). جرائم علیه محیط‌زیست در حقوق کیفری ایران و انگلستان. انتشارات کیان دانش.

- ساجدی، زهرا؛ فریادی، مسعود؛ عبدالمی، محسن و رمضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۸). حقوق کیفری محیط‌زیست: ملاحظات و راهکارها. تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور.

- شاحیدر، عبدالکریم (۱۳۷۴). شکار و صید در حقوق ایران. تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.

- عزیزی، آرمین (۱۳۹۵). سیاست جنایی ایران در رابطه با جرائم محیط‌زیست با نگاهی به حقوق انگلستان. تهران: انتشارات اندیشگان.

- غرق، نازنین (۱۳۹۸). جرم‌شناسی سبز: نگاهی به سیاست‌های تقنینی جرائم حیات وحش و محیط‌زیست. تهران: انتشارات گنج علم.

- قاسمی، ناصر (۱۳۹۶). حقوق کیفری محیط‌زیست: مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین‌المللی. چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.

- مباشری، دلارا (۱۳۹۴). حمایت کیفری از حیوانات در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات راشدین.

- محسن‌زاده‌ربانی، ارسلان (۱۴۰۰). جرائم علیه حیات وحش و سیاست جنایی ایران در مقابله با آن. ویراستار: احمد منصوری کیا، تهران: انتشارات روبه‌رو.

Assessment.” *Environmental Science & Policy*, 2(1): 43–59.

Gore, M. L (Ed.). (2017). *Conservation Criminology*. Chichester: John Wiley & Sons.

Kisonak, L (2020). “Fish and Wildlife Management on Federal Lands: The Authorities and Responsibilities of State Fish and Wildlife Agencies.” *Environmental Law*, 50(4): 935–971.

Kurland, J; Pires, S. F; McFann, S. C & Moreto, W. D (2017). “Wildlife Crime: A Conceptual Integration, Literature Review, and Methodological Critique.” *Crime Science*, 6, Article 4.

Nie, M; Barns, C; Haber, J; Joly, J; Pitt, K & Zellmer, S. B (2017). “Fish and Wildlife Management on Federal Lands: Debunking State Supremacy.” *Environmental Law*, 47(4): 797–932.

Overturf, R. J (2020). “Keeping It Regulatory: Examining State Statutes Pertaining to Searches for Fish and Wildlife Violations.” *Texas Environmental Law Journal*, 50(1): 151–180.

Sosnowski, M. C; Kim, Y; Petrossian, G. A & Asner, M (2022). “Profiling Wildlife Crimes Prosecuted Federally by the United States.” *Frontiers in Conservation Science*, 2, Article 811516.